

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

غولدينگ

بگذار، خر خر خر کند ، این بار ، منزل می رسد
ورنه به صد خون جگر ، خیلی به مشکل می رسد
خر خر به هر خر واجبست ، ورنه کجا خر خر شود
در گل بماند روز و شب ، داروی فاصل می رسد
(نوشادر فرمایشی) ، باید به سر وقت خران
تا نغمه هنگ هنگ شان ، با ساز باطل می رسد
(لؤلؤ) و (شادولای) ما ، با سادگی و پادگی
از (تی وی اشراپیان) پیغام عاجل می رسد
توهین ، بر روشنگران ، تحقیر بر آزادگان
تکفیر هم بر شاعران ، سوغات جاهل می رسد
از نوکران طالبی ، وز چاکران قالبی
گلکار تعریفی شان با کاه و با گل می رسد
گلماله جعلی وی سودی نبخشد بر چکک
بوران ما بر بام آن (غولدينگ) غافل می رسد
(غولدينگ) ، یعنی محترم (لؤلؤی) بیعقل و خرد

این نام از روشنگران ، در شأن سافل می رسد
بر گردنِ خر مینگر ، نیکتاییِ شش دالری
لنگر نموده یکطرف ، آن کورِ کاهل می رسد
 پرسش ز (**شادولا**) شدی ، از (**واژه**) و معنای آن
 گفتا یکی از لهجهٔ آفل ، ز ناقل می رسد
 ای (**آپه پیچو**) باخبر ، (**قلدر**) نمائی می نکن
بر برس و رنگ و پالشت ، تیغ دلائل می رسد
 گاهی به دستِ (**طالبان**) ، گاهی به پای (**گلبدین**)
 فرمان و حکمِ اجنبی ، از زنگِ فاعل می رسد
 حرف حقیقت ، جانِ من ، شور است و خیلی تلخ و تند
 هم خارش و هم سوزش از ، بیرون و داخل می رسد
 یا رب کمی انصاف ده ، بر (**بر خادکی**) بیحیا
 داند که روزی عدلِ آن ، سلطانِ عادل می رسد
 پس از سرِ روشنگران دستِ جفا کوتاه کند
 درسِ وفا گیرد ز ما ، تا بذلِ باذل می رسد
 صلح و صفا و آشتی ، شد خرمنِ اهدافِ ما
 از کشتِ تخمِ دوستی ، بنگر چه حاصل می رسد
آمد پسندِ خاطرَم در صفحهٔ (فیس بوک) مان
دشنامِ چند تا خادکی ، بر جمله ، شامل می رسد
 تا خواندمش ، جاری شدی ، طبعِ روانم هرطرف
 دروازه های معرفت ، به به ز ساحل می رسد
 بگذار **سگ عوعو** کند ، بگذار **خر عرعر** کند
ناموسِ خود جو جو کند ، تا شکوه از دل می رسد
 « نعمت » ! به پاسِ دوستی ، بس بس توقف لازمست
 ترسم ز جولانِ قلم ، تیری به بسمل می رسد

بخاطر روشن ساختن اشخاصی که سگ های جنگی را تربیت کرده به جان روشنگران و فرزندان راستینِ وطن وُچ وُچ میکنند ، بخاطر آنهایی که رفاقت با اشرار و ناخلفان خادکی دارند ، همچنان بخاطرِ ادب کردنِ بی ادبان ، و هدایت نمودنِ باند ترورِ شخصیت ، که گذشته های ننگینِ خود را با تاپه های سیاست و مهرهای دین و مذهب، به فرزندانِ صدیق ، و روشنگران

میهن. غرور آفرین. ما می چسپانند، و مانند چوبخنی ها، وقت و ناوقت، با الفاظ کوچه بازاری هرچه که دل تنگ شان خواست میگویند.

فقط و فقط یک راه چاره وجود دارد، که هم اخلاق و ادب. فرهنگی را مراعات کرده باشیم، و هم عفت و حرمت کلام را، یعنی هریکی از باند. ترور شخصیت که در هر برنامه ای به هموطنان. ما توهین و یا فحاشی کند باید به همان برنامه سازی که، زمینه سازی کرده و وقت. گرانبها را در اختیار. همچو عقده ئی ها و مریضهای شخصیتی گذاشته و اخلاق و تربیت. فرهنگی را مراعات نکرده به همان اوزان و ابعاد بلکه شدیدتر پاسخ داده شود، نه به شخص فحاش و مربوطین. باند. ترور شخصیت.

و همچنان اگر برنامه ساز و یا برنامه داری، از هر تلویزیونی که باشد به هموطنان. عزیز بیحرمتی و یا ترور. شخصیت کند، پاسخش را به رئیس و یا معاون تلویزیون مذکور که مسؤول در نزد مردم هستند، باید داد تا رؤسای تلویزیونها هم در قسمت کنترل برنامه ها و تربیت. برنامه سازان، سعی بلیغ مبذول داشته، متوجه رسالت. فرهنگی خود شوند، و هم در همچو زد و خوردهای فرهنگی نباید تعرض، توهین و تحقیر، تهمت و بی حرمتی به فامیها شود، و هم نباید اسم اشخاص گرفته شود، اگر انتقادی باشد بدون گرفتن نام مثلاً بگویند (یکی از برنامه داران اجتماعی و یا یکی از مبصران سیاسی و یا یکی از شعرائی که اشعار انتقادی و یا به ریش و عبا و قبا و غیره غیره میگویند.) کوشش کنند با اشارات و رمزهای طنز گونه طرف را بفهمانند.

انتقاد همیشه سازنده است، جر و بحث همیشه باید جریان داشته باشد، تا واقعیتها در انظار ما جلوه گری نموده رخ بگشاید زیرا از گفته های بزرگان ما است که
«"واقعیت" شعاع بارقه ای از تصادم افکار است!»

(۲۰۱۰/۰۹/۲۸)